

## راه پدر طالقانی، راقابه آخر دامه مید هیم

ماهرگز اجازه نخواهیم داد فرست طلبان و عوام غیربایان با بزرگ کردن "اسم و رسم" پدر را و هدفی اورام سخن و از محتوی تیپی سازند

در فاصله دو شاهزاده آمیخته شدند.  
"معاهد" پدر طالقانی مکاری  
پسر ایمان، مفسر کلکی قرقان و مکتب  
امهه اقلامیون از این سلطنت  
اردت دادند. اول ایمان را  
عطا نشانید و بعده مادر اورا باز  
ماشی خواست. او توسمه شرکرد  
که در دیدون افکار اندیشه  
پوچشیدن آن میان سردم  
کوچک شد. اول هم کدون مردان  
شناخته شد. آنها همه همیشگان  
آن اتفاق نداشتند. هم از هم  
که در دیدون از این دیدن  
هر آنکه از این دیدنی که در اختیار  
داده بودند بسیار بزرگ شدند.  
قرمزوش شوهد که از این دیدن  
بیموده شدند. اهل علم غم انواع  
دیسهه های ایرانی استی.  
غفارها و حملات ارجاع لطهای  
آنکه بخواهد که استند از این  
جهاتی بسیار بزرگ شدند.  
و پس از این مردان بزرگ و دادکار  
از لابلای آیات قرآن رسید و  
جاصان افکارها هفت را داده  
نموده.  
آری بدرکنیر! مرا هم  
را آدایم مدهیم. فرزندان  
محاجه نمکه همودا نهادند  
تسلی که تحت سرپرستی ارشادات  
توبیخ و روتبرتیت شدند است.  
هر گزشورا و هدف بزرگ شو را  
فراموش نخواهد کرد که از این  
بیموده شدند. اهل علم غم انواع  
دیسهه های ایرانی استی.  
غفارها و حملات ارجاع لطهای  
آنکه بخواهد که استند از این  
جهاتی بسیار بزرگ شدند.

مهموم معدنی آزادی

مضمون اساسی تکامل بحثی است از آن دست و رهایی نیست

مکاتب، همه‌وان انسان و آنچه می‌تواند و گهواره‌ای اش محروم گرد.  
روزی ملور سبلوی پیش از نیمه شب  
آنقدر هم این ایام شدند - جرا که  
آنچه "خانه" روزی شاه طلاقی را باید بریگزینه  
که لوازم مادی و معنی مکمل کاربردی  
که در این دست داشت - این می‌تواند  
کس خاطر هم توانسته بود پیش از ۲۷۶  
شال سلطنت طبقه‌ای را در این دست.  
اما همان کارکرده از این طبقه  
بهم یا بهتر گرفته اند و طبقه‌ای را  
که هرگز برای سرگوچی یک روز حملی  
کافی بود -  
فیما خوین خلق از دیدگاه اولی  
با اینحال - بدلیل وجود فانوس  
نمی‌باشد حقیقی و قدرتمندی تاریخ  
این روزی مستوان است - عکس ایام  
از این روزی اینجا نداشتم - بجز این  
که ملاز از آنست که دفعه بیرون می‌آمد  
و قدرت خود را در عرض ایام که اینها  
بودند - همانند آنچه در این دست  
تواند همان اینچه باشد - و یا این دست  
حق مادی داشته باشد - زیرا که این طبقه  
و سیستم حقوق ساکن ای این طبقه  
اکثراً می‌باشد - و توپخانه ای از روی اوراق  
و منعهای خدی مرگ می‌فرمایند - و می‌توانند  
در این امر از ترسیم رسانده بود - و  
که این امر از این دست نهاده شده می‌گردید  
خانه هرای سباری کسان غصه و سیستم  
موجود حال سرگزیده - و می‌گفتند این  
آنچه که این طبقه امور اور می‌گردید - این

برداشت آبیگل لوز بعد از خدمه عرضه شد. نتایج نشان دادند که در مقایسه با نمونه های اصلی این محصول، مقدار حمایت از خودکاری از خدمه عرضه شده بسیار کمتر است.

**امام علی در حسین روزهای زمامداری:** "بخداسو گند که روایت موحد را حتماً و تا پنهان بودن اغلاط هدایت کردند" (۱)

**چرا "مجاهد" منتشر نشد؟**  
ارجاع اصلی ترین راه حفظ خود را در ضدیت با نیروهای  
اقلامی بدمانستند

دانشگاه و اقلاب

## دانشگاه این سنگر دفاع از آزادی و آزادگی

Geolit

هیچکس یک کامنه هم زور ننمی شنیدند، گوشا همدن در برابر ایستاد، چنان داد استانی سخت خواست. فقط بخود خودشان می شد، همانجا با شهد میشدند و یا دفعه میگردیدند. ولی در آن شرایط خاص ساله پیچیده تراز این چرخها بود، و به دوست و هوشناکی زیبای رئیس شورای استان شد. برآستی ممکن بود دست نداشته باشند، همچنان میگردیدم؟ آن را در آن بین ممکن بود دست نداشته باشند، همچنان میگردیدم؟ آن را در آن دادستان تقاضای مصطفی نشیرات آنرا چه میگذرد؟

کروهه ضریت مستقر در زیدان اوسن  
به موجوب این حکم به شما موریت داده میخودید  
اماکن میباشد مدنی طبق که بدون کسب آگاهه تمعت تصریف و  
در انتیارا دندن و نظریات کلیه ملاحتها و چند اخرا و استادو  
و دار و شرکتی های موجود را بخطب و اماکن مذکور احتم خفاقت  
خطابات و ملاطن را داده مورت مقاومت جلب و پنهان داشتند  
هزار دارید.

ایم ای روزیم سایق و اوستکان  
امیریو لئسم امرکا ایندا به  
ساکن بسوی پاسداری کنید  
ویه یار ما پسیدا زند. در آن  
مورت از این عمل در چوی که  
توشیع ارجاع ساخته شده بود  
چه تعبیری میرفت؟ مکردا این  
شما همه جنگها ی خواه شسته  
فلکیه ای این میهن تحمل نکرده  
اند؟  
\*  
پس از اراده این حکم با  
از مشوریین نزدیک اما م  
نم کرده بود، ایشان از قول  
ام گفتهند که میتوانند محل  
داشته باشند شدنش بجهت  
که دولت نزیر به آنچه منجر  
که اتفاق نشست و زیرخکسی  
پرسیدیک به وزیر دادگستری  
دند و آقای صدر حاج سید محمد  
وزیر دادگستری نیز شاهزادی



وزارت دادگستری

پنجشیر مل سیاہدین

زیردادگستری

پیشنهاد می‌بینید و بذات، بد را  
استختاب کردیم. آنکه خانه‌مان را خالی  
کردیم، بدر طلاق خانی غلبه نداشت.  
راحت بود، نظرنا شش نیزه در  
مطبوعات منتشر شدند. ولی اقای  
دادستان بندها پیغام برخواهی حرف‌ها را  
پدر را به هیچ گرفت. تلویزیون  
بیرون هم بسیار مصائب کذا می‌  
ترتیب کرد. حرف بدر طلاقی  
را پخش نکرده بود، ولی اتهام  
دوغه‌گوشی که بدر اشایش  
داد. سوال ما اینست که  
واسطه و قشی آقای آذری این  
گونه باشد. بدر دهن به دهن می‌  
شود، و جهت اراده ندارد، اگر  
ما در این حریان حرفی در مقدم  
چه اگاک‌ذیبی سرهم میکرد؟ آیا  
در آن جو... خوشی رونم بینند؟  
آیا درخواهی که آبجاذب گردید.  
دندان مکان مظلومیستوجه بخشن  
با قی میگذاشت.  
تفصیل نیروهای انقلابی اهرم‌لاهی از  
دکتری از طرف دولت مشغول  
رسی بودندیها سازمان برای  
تلنیمه محل مراجعت کردند. و  
در حالی مورد که بر حسب  
کسی که در استاد شدند می‌باشد  
در درصورت عدم تحمله بمحاسب  
تبراندازی کنند.  
طبقاً دربرابر روزگارکشی و  
دری و تخطی از منشور و وزیر  
دکتری و نوشت و وزیر (دولتشی  
اما م حدیث بازنداده از  
خدابنده خواهد بود. اینها از  
شب‌گذشتی که هر صدای شنقاً  
را سخت شنیم امام از اینها که می‌  
گفتند شرعاً و قانوناً ما  
نم قوا به دفاع از خود حداچین  
دیدم، و خود خواهم که اخراجی  
اختهند میمیند شرعاً و قانوناً باید  
ترکان و ما در دندانگداز و مجریان  
کم بود، سعیمن دلیل  
سیاری از طرفداران جو خواسته‌مان  
این بودند که می‌دانیم

روند اسازش ارجاع  
ما خانه داشت و تخلیه کردیم  
در عالم لیکه نگذاشتند هنوز وی می‌بلد  
نشریات متعلق به خودمان را پژوهش  
با خود رفته بودیم و سه همان کنکو  
که سالیانه خانه های میر می‌دانست  
پس از کارها ن بودیم خانه عایقی  
خود رفته بخشم. در بیک رخور خود را  
میتوانستم تخلیه ستدام را بخواهیم  
خرده حسنهای خصوصی بخواهیم  
مثل مورد نیاز بودن ساختنم  
بقدیم، فتحه ۴

برای تطبیق محل استقرار  
بینش ملی معاہدین اینداخت  
گمکاری را متکرراً با تغایری  
ساواگ و تحریک سکردن. تن  
با آنکه تحقیقات انتشار داد  
نمایندگی شدیدهای شباذ ساخت  
نمایان ۳ میلیون هزار توان اجرت  
میدادند. تا گرچه درین کلمات  
شمار خواهان و سوارانه زدید  
بود. پدر طالقانی شتی در زمان زدید  
نمایندگی شباذ از عمل  
کردند. همه معاشران ایام  
آنها را بسیاری می‌دانند.

نقده از ملحوظه چرا «مجاهد»، همنشون نشد؟  
تصویر نیروهای انقلابی، مرحله‌ای از روند سازش ارتعاج  
عن بن به استشاره شترهی علتنی مردمی و اسلامی است برای دادن  
و مقامات مستولی تیزیز و زرمه  
معنیتی از این بود که بهر حال  
علیمرغ غنی را شیخ و گموده باشد،  
سیستم حاکم دیگر لا لال آن مقدار  
قوی‌سین و مقررات را هاشی بخشند  
اسلامی و انتقالیه و اسلامی و مکمل  
که ستواران شریعت را علناً منشر  
کردند. از انجا که ما با اعتقد ایده  
ادب‌نشوانویز رها شیخش خوش توجهید  
و منتهی‌نمایند اینکه این خبر  
نمی‌باشد.

گریان بخواهه با را گفتند.  
سپهحال درقدم اول آنها میخواستند  
ستند بدون خود، سپاهی آنها را  
تعریف کشند، و چهاره، کربه خود را  
بنام مردم پیوشتند. غالباً  
مردم ماین چشمین مردگان را  
میخواستند و از آنها تعبیره کردند  
که در موش نکرده‌اند مگه در موش  
سال ۱۳۲۱ تا همه اینها با اشاره به  
جمعیت اثبوبی که دورکار غریر  
جمع کردند بود و باین وسیله اند  
خواست از مردم مرسوم دستور  
مصدق کردند که اینها بعده می‌کردند  
مردم ۱۱ مانع خروج اوار  
کشور شده‌اند و اینها نتوسطه  
شکست خورد و پیشوای قبیل در  
مشهوم توضیحات فوق ۲۰ ن  
تیست که ما درقبال نقش ۲۰ زاد  
بهای اختنا اساساً موسیقی غیر  
فیمال و میمیها و خواهیم داشت  
لشکر بر عکس سرما ساحل  
مشخص از اینها ببطوری مخصوص با متناسب  
برغور دعوا همیکرد. بیچ ساله  
هم درست مخصوصیست ما مجاهد  
را موقتاً نسبتند انترا فی  
تفقانی من سطبلیل کردیم و راهی  
دیگری نیز وجود داشت ولی این  
این یکی را برای خود مدعی  
تر تعریفی دادیم. میتوانستیم  
قبیل خدا و خلق را معرفت از مردم  
و اسلام میتوانیم میدانیم. میتوانستیم  
نشر علمی "مجاهد" را از آنها  
که یکی از معبارهای وجودش را با  
منتقدیم که هیچ شر بیطن قادر  
نمودند. و پیغمبر اما را طبقاً  
را های خود را میخواستند  
محبوبت از اینها درین مردم نموده  
است بنابراین بین درین فاراد را  
استفاده از امکانات شهر علی  
"مجاهد" به معیق فردی را مقابله  
با صوری و دعا کار نهاده کار رئیسی  
دانیم. بلطفه از اینها میتوانیم  
از شیوه ای اینها استفاده کنیم  
و خود را میتوانیم درین زمان در  
این یکی را برای خود مدعی  
تر تعریفی دادیم. میتوانستیم  
قبیل خدا و خلق را معرفت از مردم  
و اسلام میتوانیم میدانیم. میتوانستیم  
نشر علمی "مجاهد" را از آنها  
که یکی از معبارهای وجودش را با

ارتجاع اصلی ترین راه حفظ خود را در ضدیت با تبروهای انقلابی پیدا کند

"اینکه چرا موضع اعتراضی آنهم بسیارت تعطیل موقت احاذیک درم به کل تحلیل این از اوضاع و احوال روز برمی- کفت. شرایطی که در آن هرگونه موافقی برای ما ساعت شنیده اسلام ارجاع می‌دهد. همان ارجاعی که ساکن مورمن- ساواکی که نکش آنها را هم به مطیعات شناخت دادیم مارا از شنایمان میروان کرد. از آنها که اینها بسیار باعثت شدند شده و روبروی اثاث جیزی برای عرضه کردند درجهت پیشرد و ارتقا، ابتلاء و جامعه امن ندارند، اصلی ترین راه حفظ خود را در مدتی استوروهای میکنند، روزهای این مردم از این موارد و اولانی شریبورو جو خاصی مخفیراند. تلاش اتسان اخلاق را مزک از فرط قدیمت بدروگوکی های غاشی متول شد. چندین ساعمه روپرسی اینجا داد که معمور همه افرادیست بآن مجاهدین مود. ایشان به اصطلاح "زنده" می‌قصید. یک روز اعدام کرد که او تا تهدید به تجزیه کرد. غافل از اینکه ساختنی از دوران شاه نیز مدتی به مسلسل شناسان ای از درآمیزه دریاها نشسته اند پیرداد خصم و نه به آلت دسته های درجه چند. قیمت و ایثارها و بروندما ریشهای دیگری نیز برای این داداری دیده شده بود که درآینده به آنها بیز

دانشگاه و انتقالات

خواسته مطبات استخراج استخراج رگرهای  
اکناف، بندربیج سیستم رگرهای  
کردباری از جایی که مساحت  
سرمهی سراسراً ویرایش شده است.  
نمایم، در اینجا اینجا شروع شد. این  
با زرایاب طبقه ای از اینجا شروع شد.  
برخواه و گروایش های متفرقی تر  
را از جریان ادامهای مرتعش تر به  
رسانی داشت.  
اگر ملتهب این تغیرات را می خواهد  
دانشگاه را در آذار و بهار و خودهای  
دانشگاهی می خواهد که می خواهد  
آنها می خواهند جمله و پرسش و پوئی  
شدن: آنها می خواهند که می خواهند  
جمهوری اسلامی استواری جزا و  
دانشیم: آنها می خواهند که می خواهند  
اکناف اسلامی سرای امدادهای  
علق و امداد رومیها و امداد  
نکدن غیر اسلامی از اینجا دادهای  
که از اینجا دادهای اسلامی روش نکرید  
و خواهند داشت که می خواهند سپس از  
زیارت مسحول و بیویا باشد.  
بدینکرد که از اکناف فرو بروید  
که مساله جدا و جدا زن و مرد در  
دانشگاه داشتند که در اینجا  
محظوظ می خواهند از اینجا  
الهیات بزرگ شود، ما انتظار  
رشد و توسعه ای از اینجا شدند.  
آنها می خواهند که از اینجا  
انتظار رفاقتی قرار دادهای امیر  
بخوبی محت مطلب فوق را شناسان  
می دهند.  
کن چیزی را بخوبی را شنیده  
دا و این روزها و هفته‌های



حمله به مرآکز سایرین آنقدر  
بزرگ و غیربر میگشند اینقدر ر  
لیاقت دناره داده که از همان  
ساختهای استفاده کنند؟ حال  
اگر از این جزئیات و بیهاش گویی-  
پنهان شود چند مسانده ای از  
دید با لاتری مورد نظر قرار داد  
دهم ذکر یکی دوستکه دیگر  
سبسرا و دشمنک است:  
آخروراها رسیده بس ! ز  
انتخابات مجلس خبرگان بود  
در مردم رفته تقلیبات و اعمال فروخته  
ما هر چند هرچند هرچشمها گرفته  
بودند، همه گفتند و توشنند. ما  
بنیز شترهای ای فوق العاده بدهمین  
نمای سبیت منشترکردند. اتفاقاً گزی  
های ما بخیلی ها گران افتاده  
داشتند  
ای بیش  
چیزی  
چیزی  
باشد  
که  
میتوانند  
دیگر  
دوبلویک  
دانست  
ای بیش  
چیزی  
چیزی  
باشد  
که  
میتوانند  
دیگر  
دوبلویک  
دانست

جنپش ملی مجاهدین

سازه آلاتی مهندس مهدی هارگان

«جنگل» چنانکه در نوکوتی سمه ملامت خیراندست جنگلی همچو  
اگون که در سعادتمندین سعادت باقی بگوی مسافر از مدنی بین از سر -  
رسنی سخنمند سعادت علیو برازی سکوت خود سعادتمندی میتوان شرعی و سنتیست  
الآن را که داشت.

اگون نظماً ماده‌نمودن با خطف نوحه به موکتی سمه و حواسناهای بیندهش  
آنچه در عرض مرگونه مسائل و مثلاً مدعی - چنانکه در میتوان و نوادرانش  
بپوشید و مزبور و مسخر از میتوان و نوحه را در پیش راه است گذشت معمول، اینچه منش  
که می‌چادهند [!] و باخاذ آمال اخراجه سخن فربانید.

انداما - «منکر همگردید که مر جهنم مرده‌گوش در وف آنچه انسوان و  
عین تکثیر مزبور و ایه و زواره دادگشتر بر جسب موابایل افسوس احوال‌گذشت

آخرها به میوجوه شرکت  
نمروهای اقلالی را دردوین  
گفتوں اسی نتیجه استندند.  
برای از آنچه که یا زهماید  
آن شروهای هجتوان استندگردان  
نمیکنند، هجتوان استندگردان  
که لسته تنبعه اکنون است تقابات  
و چنین، مجلسی گفتون به خوبی  
برای همه بشر از مردم ۱۱۰  
قابل لس است سایر اینها به  
پیشتر تسبیح شده دریافت می‌  
افلاکی خود کرد که شاهزاده ای  
کردسم که در مرکز محله بیهاده  
جوشی‌های مختلف برای تخلص  
ستاد بود، و متعاقباً سکوت  
اممته به اعتراض مارا دربر  
دانست.  
در شواطی و اوضاع سیاسی و اجتماعی  
فعلی مواجهه هر آمیزبود امیرالزیم  
است.  
در همین رابطه باستی به  
گردستان اشاده کرد که البته  
خود موضوع عالمیه و مقابله  
مقابل و محاسن، که آن را به  
موقع دیکری محوال نمیکنند. اکنون  
با ختم انتشار ناکید میکنم که همان  
چنان شدید رسانه موضع ۱۷ موداد  
از چند روز قبل از قتلهای  
با و (سر برخه رهبری اقلالی  
و شایم مردم ایران را می‌دانم:  
سالانه گردستان به همین  
وجه در مجموع شناخته و شناخته باشد  
و حیثیت شناختن حق تعمیر می‌  
آمیزد شاده، امداد خلیل برای  
شونش و اداره، اموردار خلیل برای  
خواهان و سرداران و سرداران عزیز کرد.  
مان سمت حل سوق داده می‌شود.  
میازرین اصلی گردستان شیراز  
نهانه بیرون روند خواستهای  
شیخیت و خدا امیرالزیم  
سر امیر ایران (که باستی در  
درجه اول مطمئن نظرنا بیاند)  
درستگاری ملی و مردمی خواه  
هند رسید، والدی در شراب و  
اوایع و احوال سراسر اینها  
عنی گفتون مواجهه تهریم میزبه  
سود پیشگاه جز امیرالزیم  
نیست، البته که شاهزاده های امیر  
با اینستی و سواد استفاده های  
ایمی مزداده اند شاه و همچنین  
اشتباهات و اینحرافات نمروند.  
های نیزراسته منطقه هایی  
جدا کامه دارد که بعد از آن  
خواهیم برداشت ما نیز از این  
جریان تخلیه ستدان امکن  
هوشمندی بخوبی سندادیم، به  
سی در دام توطه های امیر  
با اینستی و اینحرافاتی به اشتباه  
کاری می‌دانیم.  
که با عدم تشخیص موقع کبری  
مناسب آغاز شده و در سورت  
عدم شخصیت و تکرار جریان و از  
به انحرافات منجر میشود.

ح. امتحانیہ منشی نشد

4

چله فعلی خبر از  
عینتر ارتضاعی از  
بازار دیگر شنیدن داشت  
رساندی فلکی و آن  
رسپویان اکثر شهادت  
جها را که باید داشت  
در در حقیقت بهای  
شست: زیرا اگر آن  
عما میکنند ساله ای  
سلام در برای هر ماد  
میگردند این داده اسلامی  
قی با عقلای شهادت  
آن دیگر شهادت مور  
جناب آفای مهندس  
جهنمیه: چنان  
که اکنون در سعادت  
برخشن درین میراث  
مال اجاره گردید  
اکنون مقامات  
با خود در گروگان  
مرربوط به موخر  
علی مجددین ای  
ایضاً: من  
تعجب نکنید: مزبور

وی تحلیله سا-  
قی از روپه-  
موب شود -  
ن تعطیله شدرو-  
که همان مذکوه-  
که از دست مذکوه-  
ای پایه ایستار ازان-  
ای این اختلاط-  
مردم ما هم  
میباشد. خرمکر-  
از همه سال-  
خانلیوی مردمه و  
سداخی خلقان و  
دادما در سوره  
گزیها و گمکه ها  
نم کاشتند زمزده-  
ن سلطانه و  
تحام و طایف  
در خوره های بیت-  
حای بیت هاشی-  
شاد راهندو-  
ای داشتند موژی  
بدهیشی است که  
جع مردمی (هر  
کیست نای جز-  
طور نمیگنجد  
کیسمد خدا :  
نه سنه ای ای ای-  
ظر کیمی سار  
آن دند کیردان-  
کیکشندگان  
از آن بوده و  
وشنکر لفظی  
شد.  
ای - انقلابی  
خوب فهمید-  
که هموم به  
معنی چه ای شنا-  
کفر دیگران ای  
دستیت من ماله  
ب و انقلابیون  
ت دیگران نز-  
مع اجاره کردن  
که سولاق کوشیم  
و چه میباشدین-  
بله دست راستی  
میگفتند. آیا  
شتابه میگند-  
است و ترس  
چی داده هر چرا  
مولیم با علی بن  
حاج شفیعی بر-  
جا شافتند؟ آیا  
کنند گیربار جمال  
یه سه دامان با  
جه عومن دست-  
ایست گردید که  
خدوتان!؟ بخت  
که سولاق نظر  
میگشت برتر کت-  
وابا لازمه راه است  
فریاد زد و چه  
آن خانه بود که  
میادان جزا  
به خوب خطر را  
غقول نخست و زیر  
آن خلی نگران  
پل کرکاری خود  
؟ چرا پسی  
انگردند!؟  
نم خود فد-  
چه مدرس روشنی  
اگه که در میگی  
حال میگویند می-  
او آواز او ای  
فرار ایوش میگند  
لوک کردن میبا-  
و مستسک دادن  
سان و به من  
جه مهدیتی ای  
اقداد  
خداون ناخالف  
نم اگر هموز  
ن ارسوک ای و  
ای ای نمیشه-  
روزه و محرف  
نه غایت کیم-  
نه اسلام و ایمان  
روزه و مه ای همی  
خواهیم داد  
نم که مهتم  
ن برسروختان  
رمدیریت و  
جهای ای و  
\*\*

پس از تیروزی انقلاب، شوراهای کارگری و کارکنان در بسیاری از کارخانجات و مؤسسات و ادارات و حتی ارتش به تصرفه عناصر فاسد و خاندان دست زدند.

## چه کسانی از تشكیل شوراهای واقعی و حشت دارند

فریمیهند. مخصوصین از فریبا  
دعا و اشاره تاکنیکی برای در طلاق افسوسی  
که از امریق و جواد خوشبخت شدند. ولای  
خره نه فیست گاهش شما مگردید  
و همچنین سی از ایشان خلی مسا  
پیکار چون و بکمداد بیان طلاقانی  
واکه شورا و شیوه داد بود شند و  
آنها شنون چکونه رنگی کردن  
و چکونه مردانه جان و دل و لذیرت  
خانه ای برای دفعه اول پیش از  
دیگر مردانه مترجعین راهی هر  
بن دادن به خوار و اطلاعه بود.  
اما با این اینها همچو راهی و اتفاقی  
مردانه ای اسان اوردند. ای اسلام  
خدا و ایهه... معین و حاده ایه  
پادشاه و دیوبیکه: قاتل الاعظمه  
آنها کن لئم ذمئونا و لکن فتووا  
آغلنا... اغراک گفتند ای اسان  
آورده بیم (خدابد و زور رسنایز)  
شکوک هرگز ای اسان شیا و روده  
از این فریبا دهای بدر

کمال روضن است دستگاهی  
که تحمل بذرگانی نظام ملودی  
و اینسانیان اعلیٰ زمان و آسمان  
شاد است. چگونه میتواند مشوراهای  
عالیٰ انسانی را بردارد؟ مکرر  
ایستاد که مرغواری را در ایام  
مردمی راه را ترجیحت ایجاد  
کند. میان طبقه توجوهی همچنان  
میکند. بنابراین این طبقه  
مشوراهای حق خداداد، طبیعی و مسلم

خلاق است. پس ضمیمه ای است معتقد که به جای طبقاتی معتقدند و خود را طبقه ای دانند که فوق ما فوچه - سرخوردم مینکند که گواه میخواهند هدیده ای به مردم ابطا کنند. حامل ارادتکشانه لعله های دستگار خوب میدانند که تراها هاک خود عذاب و طبعی و معلم آنهاست. کسی برای او اولین سار عوراهای در جامع نشوند و از غلبه ای سارهای خوب دارند و دستور آن را صادر کرد ۲۴ هزارین بود که غرام ای اقلالی و روزگاری هی و بینای معمق اسلام خرقی مردم سار رمزا آنها را خلی کرد؟ شوراهای هم آنکه و اعتماد بر در رسان ای احکام در زیر عذر دیده اند. و پیروز برگزیرین دیکتاتور رسان راهه ای مالیه. همچنین ملاطفه طبعی ای از انقلاب شوراهای هم میگردند. و مرسو شوخت خود را دست کرده اند. شوراهای کاری عده کاری در این زمان شیر ارتجام

گری و کارکنان در کارخانجات و  
موابای ارادات و حقیقی از رتیره  
نمفیه اسلامی همان مفاد داشتا  
کن و آنسته روز دند و در همین  
با الایمن خرابیت کار و پرسود د  
زندگی فقریه اه منصفین کو  
شند. چونکه میتواند شنا بسی  
برای رعیت شوراهای این ایکار  
کند او ساری سادا زیرم که تفاهم ای  
زیده ای بر پرسیت شنا تهدید  
شوراهای نشکنند اما گرفت  
بخصوص در کارخانجات کند اثر  
فرموده اند اما این ایکار  
پیشیده که تعطیل شد سودده.  
اما چنانکه در راه عجیب مورخ  
برای این ایکار ۵۰۰ نسب میان  
وزارت کا دیبا مشکل شوراهای  
حالات میکند آمد ایست هم  
چنان بر قدر وحدت سدیکا  
در مقابل شورا و نیاپل  
وطی پیشور از درد می خاط که رخا  
پیش از اصرار ای میشد در اینجا سود  
که بدر طلاق ای عصمه اور مروی ۳۰۰۰  
ساو و مستحقین فرماید و میگردید  
که از روح اسلام اسلامیان مامد  
سیار دارد.

میخواهد  
تلخ برای سیستمها کردن  
شوراها در تدبیر زیستهای پشم  
میخواهد: عدم دخالت در مدیریت  
بستگان رفاقت و موسسات عدم  
دعا است بر فرمادهی عدم دخالت  
در تصمیم‌گیری در مدیریت و اداره  
شناختن طفرگ کورون میکلات  
کارکنان (بدون شناسنامه هر ایشان)  
اطلاع از تعیینات مدیریت  
توسط روابط ایشان خواهد  
خواسته‌های کارکنان با اهداف  
 مؤسسه تشکیل جلسات و ثبت و  
کندهای موروث جلسات، سطارات  
بررسی و احوال اعلاء فردی و اجتماعی  
کارکنان  
آیا اینست مفهوم واقعی  
دیدارها؟ منع میکنم

## "باران گردیده..."

در هاتون بودن آنکه وجود شستی همه مابود (بدر طالقانی)

دیرزه "سعود" را چنگونه گویم  
دیگر کسی در سوک آن دلیر مجاهد گفت  
برزخهای تو مرهم نمی نهد.  
زخم عمیق و گاری دشن  
به دست دوست.

دیگر چونه گفتم  
با عاشقان بی رای کلامش  
وقتی که جمعه به میعادنی روند  
دیگرچنان شنیدند خبردهم.  
باران گردیده امام نمی دهد.

آواز گرم او  
هرماه بیو شنیدن این دیوار

بریام شیر غمرده برواز می گند  
"والعمر ..."

من موهی کنم

غصی عظیمتر از این نمی شود

خرسان رفتگش

اکنون یتم واره سود می خواستم

ای شاهدان خفته در این خاک سرد و تار

اینکه گلاب بپاشید

ما آنچه داشتم از سر اخلاقی

بهرشایه پیش شفافستادم.

او را غریزیده بود گه شمارا نزیب داشت.

باران گردیده مامن نمی دهد.

نوزده شهربور پنجاه و هشت

بعد زیسته از این دویست و سی و ۱۷

شهریور روزیم در مرگوب خود راه خواهد

داد. اینسان مخالف هر چیز

تردید و دلیل مانع تصمیم شده

بود. در چین موقعيت مسافر

بدر طالقانی اعلام می کند که

راه پیمانی عمومی تائیما

را می تائید از خواهد دید

خواوده سار غرسی و فوت رفت.

امروز قاتله سالار گاروان  
خیل میزان مجاهدا

شناها رها نمود

عرقه در اندوه بی امان.

باران گردیده امام نمی دهد.

موج جدید اقلاب در دیدگاه

بدر طالقانی

انقلاب حلقتی ای تخت ستر

که از سال ۱۵ به هر هری می خواهد

غمیشی شکل میگیرد و چون

بدر طالقانی ای خود می خواهد

را سوزاند نورا میدی بود که

بدر طالقانی ای خود می خواهد

بود. اول در حرفت ای انتقالی می خواهد

تلور خواسته ای بحری میدیده

وستیجه فعالیتی ای فرنگی

سایسا و ای خود می خواهد

بنویسی شناده میگردید که چونه

نهای ای انتقال ای که ای می خواهد

میگردید که ای











شماره ۴

پیش‌بادان شهاب‌الدین خود را باعث موضعگیری  
فعال در قبال مسائل سیاسی - اجتماعی  
و بوره‌ای در برای تکلیف مسکن مدد جنون  
ستشما و پربرهاده‌ای است.  
بطوره‌ای شهاب‌الدین خود را باعث موضعگیری  
انقلاب و تحکیم آزادی‌بخانی که به قیمت  
خون ایران را بدمجدها صاحل داده، سمندر  
درهم کویدن همه‌ناهای دیکتاتوری و  
کستن بندھای واستگی و ... است.  
آن بدوں آگاهی و سچی توده‌ای امکان  
بدین خواهد بود.  
زیرا اساساً "توده‌ها" هستند که با  
برخورد اداری و قدرت‌بیکار خود را در  
نظم‌های امریکی را درهم می‌کشند و  
بر راه اعماقی ، نظم توپی را بر بری  
می‌کشند.

چر جو انسان و زیبم گذشته می‌شود  
تئاهن آنطور که انتظار می‌رفت  
امات فعلی استادو مدارک روزیم تلی  
منظر نگردید و در رینه زینه دلیل  
ایمان او اولی بیروزی سلوخ خایی مددود  
کلکار صورت گرفت. به این هنگام که برخی  
لهمواعات با اسکار داده دست به انتشار  
پرسی از این درجه عزم اینجا خانه  
زند. لکن اولاً خایی زود متوقف  
گردید. تا این که دلیل دیگر پرستی  
دراز نباشد و تائیه کنیر  
ده نه توان با توضیح و تئاهن  
درخواست شود. رخمالکه این قسم  
الامات نهادنها باشیم را در فرانکا  
موسوی فراز گردید. بلکه همین‌لار است  
مورد هر کدام روش خاصی روشش کند  
طبیل فیلم بوده و توئنند بدین‌گونه  
طایی و بیش سایی خود را از خانه  
نهاد. اما اعکاس ساده و خشک‌حالی  
می‌باشد. همچنان که می‌توانیم  
آنها با او حاوی نکات می‌باشند  
دید. ولذا در سطح محدودی تا این‌ستاده  
شود.

**اسنادی از توطنه‌های سیستم آریامهری (۱)**

ضرورت افشاء و تحلیل برنامه‌ها و شیوه‌های عمل رزیم پهلوی

"اعقل" الخبر اذا سمعته عقل  
شاه با امیرپاپستانها در میانه‌های مختلف  
روایه. فان رواه الفلم کثیر، و رعایه  
اقتصادی، نظامی، سیاسی، ... که به  
تفصیل نیست ازین رونق استقلال، همین‌ت  
کلام ۹۳ نهم الملاuge

"اعقلوا الخير اذا سمعتموه عقل  
روايه . فان رواه العلم كثير ، و رعاته  
قليل " كلام ٩٢ نسخ البلاغه

جهون خبری را شنیدید از روی  
تدبر و آندیشه در آن نظاره کنید، نه

چون راویان و نقل گندگان. زیرا که راویان خبر و نقل گندگان علم و اندیشه انسانی، اما اندیشه و تفاسیر گندگانی.

بیارند، اما آنها و تدبیرکشان در  
آن بیار اندک می‌باشند.

چهارمینوی ریم مردی بپیوی و  
روی کارآمدن و زیبی که از اعتقاد مردم  
برخوردار است، انتظار میرفت که بسیاری  
از اسرار و رمز و رازهای آن سیستم منفی  
برنملاشند.

افشای این مسائل که بخش محروم‌انه  
جنایات و توطئه‌های آن سیستم ضد خلقی  
با شکل مددگار و ظایا با غلام خلقی.

بک حکومت مردمی سحاب ماید. بوره  
آن قست که به ارگان دیکتاتوری یعنی  
ارکهای سرکوب رزم شاه مربوط میشود.  
چراکه میدانم رزیمهای بوسیده و خد.

خلقی ، از آنجا که هیچ پایگاهی درین  
مردم ندارند ، و از آنجا که جز به غارت

و چیاول متایع ملی و بهبردگی و بندگی  
کشیدن توده‌ها و خوشخدمتی به اربابان  
سکانه نمی‌اندستند، ناگزیر بدیگناطوری

و سرکوب پنهان مردم و بیش از هر چیز تقویت و تحکم سیستم های نظامی و امنیتی می پردازند. تا بدینوسیله باقی ایام و مصیان مردم و بیشتران انقلاب آنها مقابله

نمایند. بدینهی است که در این همکار از  
بکارگرفتن هر امکان و اعمال جزو شوه جنا  
بتکار آنها آبائی تدارد! و در این مسیر

هر روز ماهیت پلید قدمدزی و خصلت  
و ایسکن خود را با سربردگی بیشتر به  
امیریسته باز بروز میدهدن و نتیجتاً  
مشتی را که قدر مطالع خود دارد  
ارایانشان برایاد میدهدند  
من با پنهان قرار آنها را نگین

خیلی مسخر ماهه  
که گلوبت در راه  
۱- خوییست اهل اسلام  
۲- خوییست اهل اسلام  
(در پیش از اتفاق)  
کسری  
علیم احمد است اگر کوئی نماید  
در این موضع  
این امر مستحب که بتواند از ترس میان خود و از شناخته (در پیش از اتفاق) این افراد  
نماید و این امر نیز در ۱۵ مرداد هفتمین دفعه مذکور شد و این امر نیز در پیش از اتفاق  
۴- مسلمان کو مطلع کردیم که این خبر نزدیک به اتفاق نماید:  
این ب لایحه ای اینست که اگر خود را که از این مسلمان کنترل خواهد نمی کند  
و مطلع نماید مطمئن می شود اگر این باید اینست تبیین نماید و مطلع نماید و مطلع نماید  
نهایت خود را که اینست:  
و زیرا منظمه ای اینست که اگر خود را که این مسلمان کنترل خواهد نمی کند  
و مطلع نماید که این موضع بجهات این اتفاق که این اتفاق شر خواهد برداشت لذا او این اتفاق را  
شروع نماید این که قدر می شود این بجهات دعوی مکاری  
اعلیق (کرامه) گفتند  
۱۵ مرداد ۱۳۹۷

گزارشی از دیدارها نامه‌نگاران جبهه آزادیبخش خلق عمان (۲) حبیله با کمکی در هم اخراج خدابنده تحریر - حد استینهم، ع. بنایشده است بقیه از صفحه ۱۲

شد استخوار و خد ایجاد باشد.

— مجاهدین : در ایران سازمان- های شخصی وجود دارند، و سلکتور مخفی آنها کیه که در این تحریف شناسی گنجید کدامها هستند؟

— چیه : با توجه به این مدت کوتاه که در اینجا هشتمنتهیتیم تصور دقیقی از نیروهای این که وجود داردند داشته باشیم، و نیتوانم جطور مخفی مواب بهم، ولی طبق کل آنچه گفته که تا سالمند شناسم، طبقی که نزد یکی از نیروهای سپاهی است که بخلاف ایدوکولوژیک که مذکور شد، میتواند که در جریان امام احمد حسین صاحب جمعی وجود دارد که موضع ضد امریلیستیار است و همچنان شواهدی اثباتی دارد.

استدلالهای ایدوکولوژیک در روزنامهها نهند و بدین این را بر علیه آنها میبینم . و این جریان خطر اعلی برای آنهاست . ولی در ضمن سیاستمندان نیروهای متفرق را که دارای ایدوکولوژی اسلامی که، من به آن معتقد نمیشدم .

— مجاهدین : این نیروهای مختلف هستند کدامها هستند و تعداد هستم که آن طلاقای شخصی معتقد دو موکر است.

و زیرهای شاه ضروری و دستی از اراده

چیه را شکل دادند، نیروهای این مجهه مشکل از نیروهای رحمنکن، کارگر، دهقان و چوپان بود . این چیه بزرگ زارماندهی واحد و باکیه بر موضع خد ارجاعی - خد استخواری و باکربرانه خاص بنا شدند.

— مجاهدین : روابط درونی دارند اما این اجزاء را با هم نمیبینند.

هم سپاهی حال میبینند که کل جریان غیرمیراثی ایدوکولوژیک زارمان آنکه اداری و انتظامی است آن نمایندگان و مک جریان روشنکری است که رابطه و این روابط بین این دو اداره به طرز مأموریتی است که پدیده روشنکرایه است.

— مجاهدین : اما هم شیوه ارتباط با خدمت اقتصادی مردم را که کوشا نمیگیرند این دو اداره را با خدمت اقتصادی شرایط خود- مان که قدرتی ایست تطبیق ندهند، و این از رظر فکری و فلسفی تغفیرات اسلامی را آموخته میدهند.

— مجاهدین : این نیروهای مختلف های اقلایی ایست که لحاظ اینکه هر یک نیروی اهلان میگیرند این امر را بینند و هم اهلان میگیرند این امر را باشند . و اما اینکه کنند این امر مخصوصاً موجود بطور شخصی برخاسته از موضع طبقای است . بطور عده ده قادان معمولی بودند آیا این معمول گردید

۱۵۵

- مجاهدین: ما چه کنیاکی میتوانیم با شما بگیریم.

- جمهب: اولاً دلمان میخواهد روابط انداخته و سپس باشد. همان‌جا نوش خواست مادر ایران اینکه با مردم ایران آشنا شود برقرار قهرمان ایران خود را با اینان معرفی کنم تا میتوانیم خود را با اینان معرفی کنم و خوبی نادارست را که می‌گذرد از این اراده داده است که گویا مبارکه‌سیستم ازین سریع و درجه حریقی وجهی اسلامی خود را نشوند. علام در این رابطه مشتاریه بنا کرد که از اینکه روابط مستحکم باهم این مطلع میتوانند میکنیم. یعنی این انتظاگویی و زنان که میتوانند باایکه توهدی از سرایی پیشگیری کنند بوجود می‌آوریم.

باچه‌نیروهای احساس وحدت استراتژیک دارید؟

- مجاهدین: در ایران روی چه نیروهایی سپاه حساب میکشد و وحدت استراتژیک یا چه نیروهایی میتوانند داشته باشند؟

- جمهب: هم میانهای مانندشها در ایران بلکه در کل منطقه نیروهای متفرق هستند. بدون درنظر گفتن این اینکه میتوانند آشنا شوند از ایران و از ایران از این نیروها داده‌ایم، از این سالیان پیشتر ناسیونالیست بودند. این سار-

الام از این راه میتوانند خود را نجوا-  
تیکی کار نمکند. خود را در لدل که معمولی است اخلاق را میتوانند را میتوانند میگیرند. این از نظر اقتصادی -  
سازی میتوانند که همچنان که این انسان خواهد بود. درجهت این بین در این اتفاقات اینکه از این بین در این اتفاقات اینکه این دست نخانده است اینها میتوانند که این نظام دموکراتیک است. هند فرمطانی اینکه میتوانند در طبقه کارگر در روشنکران و محلی‌های اینان در درطريقه دهقان و در خود روزگار و نیازمند می‌شوند. کنم، ما باایکه خود را در بین اینها میتوانند میکنیم. یعنی این انتظاگویی و زنان که میتوانند باایکه توهدی از سرایی پیشگیری کنند بوجود می‌آوریم.

باچه‌نیروهای احساس وحدت استراتژیک دارید؟

- مجاهدین: در این روحیه به اینکه فرد داردیه رویوریه در مورد نیروهای درون خلیق خودتان و اینکه جیمه شما از این نیروهایی تشکیل دده وضعیت بدیده.

- جمهب: در این روحیه اینکه این سالیان دده

## پیام دعوت سازمان آزادیبخش فلسطین

دعوت سازمان آزادیبخش فلسطین از رهبران سازمان مجاہدین را برای بازدید زیارت سازمان و پرسنل او را عرض جنوب فلسطین در زیرمی‌بینیم. دعوت مزبور شناسنده داده شده علاوه برین و مشترک دوسازمان میباشد. با شکه خلق فهرمان فلسطین و ایران در تحریم هرچه بیشتر بودند های خوبین توفيق یابند.



جهاز اطلاعات خارجی ایران

۱۹۷۱

سپتامبر ۱۹۷۱

۱۳۴۸

سال

سال